

اَكْمَلْنَا اَلْمَجْمَعَا

خط و انسانیت

(۲)

خطوط مختلفه

کثرت هموپ و قباہل . تفاوت ازمه و بعمد امکنه . اختلاف نژاد . تمایز آب و هوا . چنانچه در همه چیز فرزندان ادم اختلافات و تمایزات گوناگون را ایجاد نمود همچنان لغات مختلفه و خطوط متفاوتہ را ایجاد کرد .
 تعداد خطوط مختلفه و بیان اقسام و انواع آنها شاید برای یک نویسنده اردبائی بواسطه مهیا بودن وسائل و لوازم کار ممکن باشد . اما برای یک نویسنده ایرانی با فقدان تمام لوازم از محالات محسوب میشود .

پس ما اجمالا فقط خطوط مختلفه عالم را بدو قسمتی منقسم میکنیم .
 اول - خطوط راست آغاز .
 یعنی خطوطی که از طرف راست نکادش آنها شروع میشود .

دوم - خطوط چپ مبده .

یعنی خطوطی که از سمت چپ نوشتن آنها آغاز میگردد .
خطوط راست آغاز - عبارتند از خط سربانی . عبرانی .
عربی . که امروز هم در ایران و تمام ممالک اسلامی همان خط
عربی باقسام و انواع معمول است .
خطوط چپ مبده - عبارتند از خط یونانی و تمام خطوط
ممالک اروپا و خط ایران هم قبل از تسلط عرب از چپ آغاز میشده .

❖ بهترین خطوط کدام است ؟ ❖

گروه راست مبده و چپ آغاز هر يك برای رجحان خط
خویش استحصاناتی ذکر کرده اند چنانکه چپ آغاز گوید :
مرکز حرکت تمام اعضای بدن قلب است و قلب در طرف
چپ جابجا دارد از این سبب خط طبیعی آن است که از طرف چپ
آغاز شود .
راست مبده نیز چنین گوید :

چون نوشتن بدست راست انجلم می پذیرد اگر از طرف
چپ آغاز شود بر خلاف طبیعت است .

از این قبیل استحصانات در کلمات قدما فراوان یافت میشود
ولی ذوق سلیم حکم است که این گونه سخنان برای هیچیک از طرفین
برهان نمیشود و هر يك پس از اینکه بطرز نگارش خود عادت
کرده و عادت طبیعت ثانویه شد، طرفداری از طبیعت خود
کرده و خواسته است خود کرده را صواب جلوه دهد .

حکمت در این مسئله با محکمه است که اعضاء آن بیطرف بود، و با هیچ یک از دو طرف و خطوط آنان اشتائی نداشته باشند و البته چنین محکمه وجود خارجی ندارد تا بحکمت چه رسد .

* (افکار مختلفه پیرامون خط کنونی ما) *

درباب خط کنونی ما گاه، سخالی همنیده میشود که بواسطه اهمیت موضوع در این مقام مناسب از ذکر اجمالی آنها تمیز صحیح از سقیم ناگزیریم .

پس از اینکه ترقیات علوم و صنایع اروپا نظر حیرت عالمیان را بطرف خود جلب نمود ایران هم بنوبت خود عطف توجه نموده و خواست پس از پیدا کردن راه ترقی و سعادت خود را بقافله سریع تمدن بعزیت رساند .

* (قبلا برای توضیح مطلب یک مثل می اوریم) *

بند بازی بالای طناب معقول بازی بود .

چندانقر تماشاچی اساس هنر و صنعت او را چیزهای صوری از قبیل کلاه مخصوص و کمر بند و قبا و کفش شناخته خواستند با همین اسباب همان بازی را شروع کنند ولی در نتیجه صورت بینی همگی سر و دست و پای خویش را بشکستن دادند . دانشمندی پس از مشاهده این حال بانان چنین گفت :

اگر چشم حقیقت بین دامنه و مبدیدید که يك قوه مضبوطه (ضعف واهمه) این قدرت را بدین بند باز داده نه این چیزهای صوری البته ثروت سرودست و پای رابشکستن نمی سپردید .

رهبران ما هم بس از معاهده ترقیات اروپا چیز های ظاهری و صوری را سبب و ترقی تعالی فرض کرده و از حقیقت دور افتادند از این سبب بعضی جنگ های حیدری و نعمتی قدیم را بصورت احزاب سیاسی یا اقلیت و اکثریت مجلس در آورده و گفتند: و طریق سعادت این است .

بعضی دیگر نیز مکتب خانه های قدیم را بصورت مدارس اروپا بدون ملاحظه و رعایت معنی در آورده و گفتند : رانجات این است . بالجمله هر حقیقتی که در اروپا باعث سعادت شده بود ما صورت انرا وسیله ترقی ایران فرض کرده و همه را صورتا ایجاد کردیم اما در نتیجه زاق مانه تنها روش کبک نیاموخت بلکه رفتار خود را هم بکلی فراموش کرد .

چنانچه آن تماهاچی های صورت بین هم بند بازی نتوانستند اما سر و دست و پای خود را خوب بشکستن دادند ! !

بالجمله بعضی از صورت بیگان تیزهوش هم علمت العلل ترقی علوم و صنایع اروپا را خط انان فهمیده و تغییر خط کنونی را بجماعه ایران پیش نهاد کردند .

ملکم — که امام این جماعت است در رساله شیخ و وزیر خود تقریبا با اختلاف الفاظ چنین میگوید :

(بواسطه همین خط است که ممالک اسلامی تقطیع و تجزیه شده و میشود و اروپا نیز بپرکت وجود از خط است که ممالک دیگر را بخود ملحق میسازد)

نمیدانم اگر از ملکم و مقلدین وی سؤال شود: که ده قرن پیش از این عرب با همین خط امروزی ما ممالک اروپا را با همین خط خودش چگونه پس از تجزیه الحاق بدول اسلامی میکرد ؟ ایا چه جواب خواهند گفت ؟

البته در آن زمان هم صورت بینان اروپا همین خیال را میکردند که ملت فتوحات و سعادت فعون عرب و اسلام تنها خط آنها است . چنانکه یکی از سلاطین بزرگ روم گوید : من بر هیچ چیز عرب و اسلام باندازه خط خوب آنها قبطه نمی خورم .

نیز ملکم میگوید: شکار علوم انسانی و مطالعات فرنگی (خط فرنگی را همه کس بیست روز خواندن و نوشتن می آموزد اما خط ایرانی را بیست ساله هم احدی نمیتواند بیاموزد) این دعوی بخلو و اغراق شمیری بیغله شبیه است تا بحقیقت کوشی و چاره جوئی و هر گاه اصول معنویة تعلیم و تربیت در ایران بکار افتد مسلم خواندن و نوشتن خط کنونی ما بیش از خطوط دیگران زحمت نخواهد داشت .

اگر وصل حروری بیکدیگر باعث اندکی اشکال و صعوبت در تعلیم باشد - سهوات

نگارش که يك مطلب با طرز نگارش ما محکم حس در يك سطر محدود و معین تمام میشود ولی با خطوط دیگران در کمتر از سه سطر جا بگیر نیست این کسر را جبران میکنند .

البته بهمین سبب است که تند نویسان ما بدون الت مصنوعی نطق هر ناطقی را بخوبی مینویسند . و تلگرافچیان ما بدون الت تمام کلمات تلگرافی را ضبط میکنند .

در صورتیکه در تمام اروپا با انهمه علم و صنعت کسی از همدۀ اینکار هنوز بر نیامده . زیرا خط انان بواسطه طول و عرض زیاد در حروف نگارنده را نمی گذارد با ناطق همراه برود یا گیرنده تلگراف آنچه را از زان سیم برق استماع میکند بنویسد . پس اگر يك نویسنده ایرانی در راه تعلیم صد ساعت وقت تم کند در طریق سرعت نگارش هزار ساعت پیدا خواهد کرد .

این نکته هم قابل تذکار است که صاحبان این عقیده (تبدیل خط) بعضی دانسته و برخی ندانسته دشمنان ملیت و قومید خود هستند . زیرا از دست دادن خط کنونی ایران مستلزم آن است که تمام کتب سلف ، همان کتابهاییکه هر يك در کتابخانهها و موزه های بزرگ دنیا نفیس ترین ذخیره انسانیت بشمارند بکلی معدوم و منسوخ شوند . عقیده ما این عقیده کمتر از آن استی نیست که اسکندر مقدونی پس از تصرف استخر در کتابخانه بزرگ کبان افروخته و هم سوزنده تر

از آن شراره است که پس از استیلای عرب کتب خانه ساسانی را چنان سوخت که یکورق از تاریخ و ادب و حکمت تابان را برای فرزندان باقی نگذاشت .

اری اصلاح خط - از قبیل اقاط حروف مکرره مانند سین و صاد و ث که ما همه را بکنوع اللفظ میکنیم میتوان گفت لازم است اما در درجه هزارم یعنی بعد از اینکه نهصد و نود و نه فقره اصلاحات مهمه اساسی را انجام دادیم از گاه باید بچنین کاری پردازیم .

ملک انگلیس پس از هفتصد سال تمدن با انهمه علم و صنعت و انهمه خرابی و نقایص در خط عالمگیر خود هنوز شروع باینکار نکرده اند ولی در مملکت ما که - خانه ازبای بند ویران است - خواجه در فکر نقش ابوان است !

تاریخ دنیا نشان نمی دهد که هیچ قوم و ملتی تا کنون باختیار دست از خط و زبان خود کفیده باشد .

باینکه خطوط دیگران دارای مقام و مرتبه خط ما نیست و خوش نویسان بزرگی که هر سطر از خطوطشان مثل بهترین تابلو های نقاشان بزرگ زیب و زینت کاخ سلاطین و موزه های دنیا است جز در ایران در هیچ قوم و ملتی وجود نداشته اند .

اخیرا دولت آذربایجان قفقاز چنانکه میکویند خط خود را

تبدیل کرده .

اما این کار دلیل ترقی آنان نیست بلکه اضمحلال و تحلیل را بهر نشان میدهد و مسلم است که آن زور بازو و تیزی شمشیر دیگران است .

ما هم امروز که زور در بازو و برندی در شمشیر داشتیم بسیاری از ممالک عالم خط و زبان ما را با اقتضار قبول میکردند و هنوز هم نشانۀ اش باقی است .

بعضی از صاحبان عقیده تبدیل خط چنین استدلال میکنند :

اتصال حروف در خط ما باعث شده است که از مطبوعه صحیح

حروم مانده ایم پس باید خط عوض نمود تا مطبوعه پیدا کنیم .

این اشخاص باید گفت : اگر شما کار خانه کاغذ سازی و

هزار ها کار خانه دیگر اختراع کرده بودید و از اختراع مطبوعه و

حروف فارسی عاجز مانده بودید انگاه این حرف از شما قابل

فتنه بود .

پس ما اگر مطبوعه و هزار ها چیز دیگر نداریم علت

همان صورت سازی و غفلت از معنی و حقیقت است .

و اگر روزی حقیقت طلب شده و از صورت سازی

دست برداریم مطبوعه و حروف و کار خانه و همه چیز

طوایم داشتیم .